

# یغما

شماره دهم

دی ۱۳۳۰

سال چهارم

دکتر یارشاطر - لندن

اساطیر هند و ایرانی

## ایندرا

ایندرا یکی از بزرگترین خدایان هندی و در اوستا سر دسته دیوان اهریمنی است. در دوره‌ای که سرودهای ریگ ودا Rig Veda یعنی کهن‌ترین سرودهای مذهبی هندیان نوشته شده ایندرا خدای برق و تندر و نیز رب النوع جنگ و پیروزی است و پروردگار ملی هندیان و سرآمد سایر خدایان بشمار است (۱).

### ایندرا در آثار زرتشتی

پوشیده نیست که ایرانیان و هندیان نخست با هم میزیستند و مذهب یکسان داشتند. پس از جدائی مذهب هر یک تحوّل جداگانه یافت. با اینهمه، شباهت میان مذهب ودا و مذهب یشت ها که معرّف آئین قدیمتر ایرانیان است بسیار است. و ذکر بیشتر خدایان کهن را در هر دو میتوان یافت و طبیعی است که باید ذکر ایندرا نیز در آثار زرتشتی بخصوص در یشتها موجود باشد. اما آنچه در بادی امر بنظر میرسد ذکر ایندرا مختصر است. در اوستا تنها دوبار از وی نام برده شده: در جزء نهم فرگرد دهم **وندیداد**، دعائی ۱ - ترجمه یکی از سرودهای ایندرا (سرود دوازدهم از دفتر دوه) از متن سانسکریت در مقاله دیگری ملاحظه خواهد شد.

که برای راندن دیوان آمده و نام چند دیو در آن ذکر شده چنین آغاز میشود: « من ایندرا را میرانم، من سورو (۱) را میرانم، من نانگهتیا (۲) را میرانم... ». و در جزء چهل و سوم از فر کرد نوزدهم چنین آمده: « آنان (دیوان) پیش میروند و پس میروند، امیدوار و ناامید میشوند (۳): اهریمن مرکبار دیو دیوان، ایندرا دیو، سورو دیو، نانگهتیا دیو، توروی دیو و زایری (۴) دیو، دیو خشم با تیغ زخمس زن... ». در آثار پهلوی زرتشتی هر چند نام ایندرا در چندین مورد آمده اطلاع مهمی در باره وی بدست نمیآید، جز اینکه ایندرا رقیب اردیبهشت از امشاسپندان زرتشتی است و اردیبهشت در روز رستاخیز ویرا خواهد شکست (۵). اما بیش از آنکه بجستجوی

۱ - Saurva برابر با Shavra از خدایان هندی .

۲ - Nāhaithya برابر با Nāsatya سانسکریت . از خدایان زوج هندی . در باره این دو دیو در مقاله بعد گفتگو خواهد شد . برای آنکه مقابله بعضی کلمات ایرانی و سانسکریت که در این مقاله خواهد آمد آسان باشد اشاره میکند که س - S در زبانهای ایرانی غالباً برابر است با یکنوع sh سانسکریت، چنانکه vis - اوستایی بمعنی قریه و a-pa- بمعنی اسب برابر است با vish- و ashva در سانسکریت . h در زبانهای ایرانی عموماً برابر است با س - S در زبان سانسکریت، چنانکه hapta = هفت و هوم = نوشابه معروف برابر است با sapta- و سوم - soma در سانسکریت . z - اوستایی گاه از h - سانسکریت نتیجه میشود چنانکه دست در اوستایی zasta و در سانسکریت hasta است و azi اوستایی بمعنی مار ( جزء اول اژدها ) در سانسکریت ahi است ، و گاه برابر با ج - z سانسکریت است ، چنانکه vazra = گرز در سانسکریت vajra است و ریشه زادن دراوستایی - zan و در سانسکریت - jan است . ترکیب - rht - هندو ایرانی در سانسکریت و فارسی باستان بهمین صورت میماند ولی در بعضی کلمات اوستایی تبدیل به « ش » میشود مانند asha برابر با rhta سانسکریت و mashya = فناپذیر ، مرد برابر با martya سانسکریت . برابر دانستن نام دیو اپوش apaosha با صورت فرضی ap-vrta که بعداً ملاحظه خواهد شد بنابراین قاعده است .

۳ - ترجمه تحت اللفظ z دهنشان پیش میروند و پس میروند .

۴ - Zairi و Taurvi . راجع باین دیوان رجوع شود به دارمستتر :

Sacred Books of the East جلد چهارم صفحه ۶۲ مقدمه و بعد ، و به کریستن سن ،

Essai sur la demonologie iranienne (کوبنهاگ ۱۹۴۱) صفحات ۳۸ - ۲۵ . و به

نوبرگ ، Die Religionen des alten Iran (لایپزیک ۱۹۳۸) صفحه ۲۳۹ . بعد .

۵ - از جمله تفسیر جزء - یک یسنای ۴۸ . نیز رجوع شود به بندش بزرگ صفحه ۱۵ سطر ۹ و صفحه

۱۸۳ سطر ۲۰ . بعد .

احوال ایندرا و داستانهای راجع باو در آثار ایرانی بپردازیم لازم است بجنبه هندی او توجه کنیم .

ایندرا ، چنانکه گذشت ، بزرگترین پروردگار سرودهای ریگ وداست و پیش از هر خدای دیگری ستوده شده . قریب يك چهارم از سرودهای ودا ( ۲۵۰ سرود ) اختصاص بوی دارد . این سرودها اصولاً برای خواندن در مراسم قربانی و تشریفات مذهبی ساخته شده و عموماً کوتاه و مبتنی بر ستایش است نه داستان سرائی . با اینهمه میتوان اطلاعات فراوان در باره ایندرا از آنها بدست آورد :

ایندرا خداوندی است زورمند و پرهیبت و جنگ آزما ، که کسی را با اویارای مقاومت نیست . بسیار بزرگ جثه است ، اندازه او از زمین حتی اگر ده برابر این می بود بزرگتر است . دو جهان جمعاً نصف اوست و بحجم از زمین و فضا و آسمان (۱) برتر است ، زمین و آسمان برای کمر بند او کافی نیست . چهره و زلف و ریشش بور است (۲) و بازوان بلند و رسا و خوش نما دارد . شکمش بسیار بزرگ است و چون سوم (= هوم ) بیاشامد بزرگی دریاچه است (۳) .

سلاح خاص ایندرا وجر Vajra است که معادل Vazra اوستایی و گرز فارسی است ولی بمعنی گرز نیست بلکه سلاح کوتاه و نوک تیزی است که اصولاً از سنگ میتراشیده اند و در زبان فارسی لفظی که معرف آن باشد ظاهراً نیست و گرز که صورت فارسی آنست تغییر معنی داده (۴) . این سلاح معرف برق است . سلاح خاص ژوپیتتر خدای بزرگ رومی نیز همین است . این سلاح را خدایان برای ایندرا ساختند .

- ۱ - در آثار سانسکریت یکی از قدیمترین تقسیمات جهان تقسیم به سه ناحیه زمین و فضا و آسمان است . معمولاً خدایان دوره ودا را نیز بر حسب این سه عالم بخدایان زمین و فضا و آسمان تقسیم میکنند .
- ۲ - بور را در ترجمه hari سانسکریت اختیار کرده ام که صورت اوستایی آن - Zairi است بمعنی زرگون . در زبانهای ایرانی این صفت بمعنی زرد فام یا سبزرنگ است ولی در سانسکریت زردی متمایل بقرمزی است . اسبان ایندرا نیز hari نامیده میشوند که درست بمعنی اسب بور است .
- ۳ - سرود ۲۶ از دفتر سوم .

۴ - در فرهنگهای فارسی « بیر » بمعنی برق آمده که پرفسور هنینگ Henning آنرا مشتق از صورت فارسی باستان vajra یعنی vadra می شمارد ( این کلمه فرضی است ) .

است زرین که صد گوشه و هزار سر دارد، جای آن در اقیانوس میان آبهاست (۱). گاه نیز ایندرا را بتیر و کمان مسلح می‌بینیم.

ایندرا ارتشتار Rathashthâ است یعنی معمولاً برگردونه سوار است و در گردونه می‌جنگد. گردونه‌اش زرین و از اندیشه تیزتر است (۲) آنرا دواسب بور آفتاب چشم زرین بال می‌کشند. گردونه و اسبان آنرا Rbhhus سلاحگر خدایان ساخته. یوغ اسبان وی نیایش است (اشاره باینکه به نیایش ایندرا در مراسم پرستش و قربانی حاضر میشود).

از صفات خاص ایندرا «سوم یا» Somapâ یعنی هوم آشام است. نوشابه خاص ایندرا هوم است که گیاه آنرا عقاب نخست برای او آورد. اشتیاق وی بهوم چندان است که هم در روز اول تولد، مادرش هوم بوی داد تا بنوشد. پیش از هر نبرد هوم در می‌کشد تا بهیجان آید. چون بچنگک‌اژدهای خشکی برخاست سه دریاچه هوم نوشید. موضوع یکی از سرودهای ایندرا (سرود ۱۱۹ دفتر دهم) مفاخرات ایندراست بر اثر نوشیدن هوم. پدر خود تویشتر Tavishtar را برای بدست آوردن هوم بکشت. افراطش در نوشیدن هوم چنان بود که از آن بیمار شد و خدایان دیگر وی را درمان کردند.

با آنکه ایندرا بزرگترین خدای سرودهای وداست مخلوق است. در سرود هشتم از دفتر چهارم اشاره شده که ایندرا میخواست بنحو خارق‌عادتی از پهلوی مادر خود زاده شود (ظاهراً اشاره بظهور برق از کنار ابراست). پدر وی در بعضی سرودها دیائوس Dyaus یعنی آسمان و در برخی دیگر نویشتر که بدست وی کشته شد ذکر شده.

ایندرا با بعضی دیگر از خدایان بخصوص مربوط و مانوس است. از همه خدایان بایندرا نزدیکتر آگنی Agni است که خدای آتش و برابر با آذر اوستاست. مکرر

۱ - اشاره به ظهور برق از میان ابرهای بارانی.

۲ - این عبارات در احوال ایندرا عموماً از سرودهای او گرفته شده و اگر قدری گسسته بنظر میرسد از آنروست. بعداً ملاحظه خواهد شد که بخاطر داشتن اینگونه جزئیات برای یافتن داستانهای ایندرا در آثار ایرانی لازم است.

نام ایندرا و اگنی توأمأ بصورت يك لفظ مرکب ذکر شده (۱) و این طبیعی است چه ایندرا خدای برق است و مناسبت برق و آتش روشن است. گاه ذکر شده که ایندرا اگنی (آتش) را از کنار سنگ بیرون آورد و در سرود دیگر گفته شده که اگنی را که پنهان بود پیدا کرد. دیگر از خدایانی که با ایندرا بسیار مربوط است **سوریا** Surya معادل **هور** فارسی و خدای آفتاب است. بمناسبت این دو بعداً اشاره خواهد شد. یاران خاص ایندرا **ماروت**ها Mārut هستند که گروهی از خدایان جنگجو و دلاورند و ایندرا را در قوتوحاشی مدد می کنند. ایندرا هم چنین با **وایو** Vāyu خدای باد که گاه گردونه ران وی شمرده شده و **ورونا** Varuna خدای آسمان (برابر با اهورای ایرانی) و **سوم** که خداوند نوشابه خاص اوست بسیار نزدیک و مأنوس است.

**نبردهای ایندرا** فتح بزرگ ایندرا غلبه بر دیو خشکی **ورترا** Vṛtra است و باین مناسبت **ورتراهن** یعنی کشنده ورترا نامیده شده که معادل اوستائی آن **ورثراگن** است که **بهرام** فارسی از آنست. مناسبت بهرام و ایندرا بعداً یاد خواهد شد. ورترا گاه نیز **آهی** Ahi نامیده شده که بمعنی مار یا اژدهاست و معادل اوستائی آن «ازی» Azi و بهمان معنی است. جزء اول کلمه «اژدها» نیز همین است. داستان این فتح اینست که ورترا، اژدهای خشکی، آنها را محصور کرد و از جریان بازداشت. ایندرا سلاح برگرفت و هوم درکشید و بجنگ اژدها برخاست. نبردی سهمگین در گرفت، آسمان و زمین از هیبت ضربت ایندرا بلرزه درآمدند، حتی تویشترا که خودسازنده سلاح ایندرا بود لرزه گرفت. سرانجام ایندرا بضریت سلاح خویش (برق) اژدهای خشکی را از پای درآورد و آنها را آزاد ساخت. این داستان که صورت افسانه ای طوفان و ظهور برق و فرود آمدن باران است و هسته مرکزی داستانهای ایندرا بشمار میرود، بصور مختلف در سرودهای ریگ ودا یاد شده، مثل اینکه ورترا چون اژدهائی بر سر آنها یا گرد آنها خفته بود، ایندرا سلاح

۱ - منظور نوعی ترکیب است که در سانسکریت Dvandva نامیده میشود و در آن هر دو جزء کلمه بصورت تننیه میابند. رجوع شود به W. D. Whitney, A Sanskrit Grammar پاراگراف ۱۲۵۲ و بعد. راجع باین نوع ترکیب در زبان اوستائی رجوع شود به J. Duchesn-Guillemin تألیف Les composés de l'Avesta پاراگراف ۶۷-۶۲.

خویش را بر پشت او کوفت و بیجانش کرد، آنگاه کوهها را بشکافت و آبها را روان کرد، و با سلاح خود برای آبها مجری ساخت و رودها را بسوی دریا جاری کرد، و با کوهها را بدرید و «هفت رود» را روان ساخت (مقصود از هفت رود پنجاب امروزی و دوشعبه دیگر آنست). گاه بجای آب گاو ذکر شده، چنانکه ایندرا چون اژدها را کشت گاو را برای مردمان آزاد ساخت، و با گاو در میان صخره‌ها محصور بودند، وی صخره‌ها را بکشود و راه گاو را باز کرد، و با گاو و روشنائی را از دل تاریکی بیرون کشید. از طرفی ابر بصخره و با بقلعه دیو تشبیه شده. پیداست که باز موضوع داستان فرود آمدن باران است و چون این حادثه طبیعی پیوسته تکرار میشود غلبه ایندرا بر ورترا نیز تکرار میگردد. در خیلی از سرودهای ودا از ایندرا درخواست میشود که اژدها را چنانکه قبلاً کشته است باز بکشد.

دیگر از فتوحات ایندرا که با رها ساختن آبها مربوط است شکستن تاریکی و بچنگ آوردن روشنائی است که بصورت‌های مختلف یاد شده، مثل آنکه چون ایندرا اژدها را با پیکان آهنین کشت و آب را روان ساخت، آفتاب را آشکارا در میان آسمان جای داد، و با پس از این فتح آفتاب و روشنائی را بوجود آورد، و با چون اژدها رانده شد آفتاب درخشیدن گرفت، و با اشعه بامداد چون ایندرا را دیدند بدیدن او شتافتند، و با آفتاب را در خانه تاریکی بازیافت، راهی برای او باز کرد و با آسمان صعودش داد، و با خورشید و روشنائی بامداد و کله گاو را بازیافت که ممکن است در این مورد کله گاو اشاره بابرهای سرخ سحری باشد<sup>(۱)</sup>. باز یافتن روشنائی و رها ساختن آبها در داستانهای ایندرا بهم آمیخته است و بنظر میرسد که فتح روشنائی ثانوی و نتیجه توسعه داستان اول باشد.

گذشته از اینها حوادث مهم طبیعی بایندرا منسوب است، از قبیل آنکه کوههای لرزان را آرام ساخت و دشتها را مستقر کرد (در افسانه‌های جدیدتر گفته میشود که کوهها نخست بال داشتند و پرواز میکردند و بهر جا میخواستند فرود میآمدند و زمین

۱ - رجوع شود به Vedic Mythology تألیف Macdonell در Grundriss der

را منقلب می داشتند. ایندرا بال کوهها را برید و آنها را برجای نشاند. بالاها در آسمان جا گرفتند و ابرهای طوفانی را تشکیل دادند. و با آنکه ایندرا زمین و آسمان را پدید آورد و آنها را چون پوستی بگسترده؛ ایندرا آسمان و زمین را مانند چرخهای گردونه که توسط محور از هم جدا نگاه داشته میشوند از هم جدا نگاه میدارد (۱). گاه گفته میشود که زمین و آسمان را ایندرا بازیافت که ممکن است اشاره بروشن شدن فضا و امکان دیدن زمین و آسمان پس از زدن برق باشد.

### ایندرا خدای ملی

گذشته از اعمال قدرت در امر طبیعت، ایندرا خداوند ملی اقوام آریائی است که در هند مسکن گزیدند. وی آریاها را در تسخیر سرزمین هند و قلع بومیان سیه چرده یاری میکند و آنان را پیروزی می بخشد. قلاع بومیان را می شکافد و سلاح آنان را در سرزمین هفت رود (پنجاب) از آریاها برمیگرداند. در جنگی پنجاه هزار از بومیان تیره رنگ را پیرشان کرد (سرود ۱۶ از دفتر چهارم). ایندرا خداوند جنگ آوران و پروردگار پیروزی است. جنگجویان در معرکه نبرد از وی یاری میجویند. اوست که بومیان را میراند و پرستندگان و یاران خود را غنیمت و ثروت می بخشد و زنان و فرزندان ذکور ارزانی میدارد. صفت مکّه وَن Maghavan یعنی «بَدّال» خاص اوست و در آثار اخیر سانسکریت جز برای او برای خدای دیگری بکار نرفته است.

دلاوریهای ایندرا بآنچه یاد شد محدود نیست. دیوان دیگری را نیز ایندرا می شکند، چنانکه پانی ها Pani گروهی از دیوان را که کله گلوان را محبوس کرده بودند مغلوب کرد و گاوآب را رها ساخت. نیز اورنا Urna دیو نود و نه بازو و ویش وروپا Vishvarupa دیو سه سر و شش چشم را از نیای در آورد. هم چنین ایندرا با اوشاس Ushas خدای بامداد کشمکش کرد و گردونه ویرا درهم شکست، بامداد گردونه خود را رها نمود و از ترس بگریخت (سرود ۳۸ از دفتر چهارم). این داستان

۱ - ترس از فرود آمدن آسمان از ترسهای قدیمی بشر است و آثار آن در اساطیر یداست. مقایسه شود با جزه دوم یشت سیزدهم، «از پرتو و فر آنان (فرورها) است، ای زرتشت، که آسمان را جدانگاه میدارم ...» (هوراسخن میگوید).

ممکن است اشاره بطلوع آفتاب پس از نور ملایم بامداد باشد: اشعه خورشید دامن بامداد را می شکافند و پیش میدوند. نیز ایندراست که هوم را نخستین بار باز می یابد، و با آنرا پس از کشتن ورترا فراچنگک می آورد (۱).

اینکه از ایندرا با همه عظمت و دلوریش در آثار ایرانی تنها

### داستانهای ایندرا در آثار ایرانی

نامی آنهم بصورت دیو مانده باشد غریب بنظر میرسد، خاصه

چون توجه کنیم که وی هم خداوند جنگ و پیروزی است و هم

شکستن خشکی و فرود آوردن باران باو منسوب است. این

حادثه طبیعی که در زندگی ایرانیان نیز اهمیت خاص داشته طبعاً باید بنحوی ادا شده

باشد. هم چنین بعید است که ایرانیان در دوره قهرمانی که یشتها نمودار آنست از

پرستش رب النوع جنگ و پیروزی بی نیاز بوده باشند. صورتی که از یک عده خدایان

میتانی Mitani در بغاز کوی بدست آمده و متعلق بقرن چهاردهم قبل از میلاد یعنی

قریب شش قرن قبل از حکومت خاندان مادّی است و قدیمترین سندی است که

نام خدایان هند و ایرانی را در بر دارد آشکار میکند که ایندرا از مهمترین خدایان

قبایل هندو ایرانی بوده و خمول وی در آثار ایرانی فقط ظاهری است ( درباره خدایان

میتانی در مقاله بعد گفتگو خواهد شد). حقیقت آنست که داستانهای مهم ایندرا

در آثار ایرانی نیز باقی مانده، فقط تغییر عنوان داده است.

چنانکه گذشت مهمترین حادثه افسانه های ایندرا کشتن ورترا ازدهای

### بهرام

خشکی است و صفت ورتراهن یعنی ورتراکش مرادف نام اوست.

معادل این صفت در اوستائی ورتراجن Varathrajan بمعنی فاتح است که در تفسیر

پهلوی به « پیروزگر » ترجمه شده (۲). ورتراغن از همین صفت بمعنی پیروز است که

صورت پهلوی آن ورهران و صورت فارسی آن بهرام است. بهرام از خدایان بزرگ

ایرانی است و یشت چهاردهم اوستا در ستایش اوست. از مطالعه بهرام یشت شباهت اساسی

۱ - راجع برابطه ایندرا و سوم رجوع شود به Die Religion des Veda تألیف Oldenberg

صفحه ۱۶۹ و بعد، راجع به فتح نور صفحه ۱۴۷ و بعد. برای تفصیل بیشتر درباره ایندرا و فهرست  
مآخذ رجوع شود به مکدائل، کتاب سابق الذکر صفحات ۶۶-۵۴.

۲ - رجوع شود به Altiranisches Wörterbuch تألیف بازتولومه در ذیل varathragan

varathraghna، ستون ۱۴۲۱.



بهرام و ایندرا روشن میشود. بهرام خدای جنگ و پیروزی است. جنگ آوران در مهر که نبرد از وی مدد میجویند و در میان ایزدان وی بهترین سلاح مسلح است. جزء اول کرده اول بهرام یشت در باره وی چنین میگوید: «... زرتشت از اهورامزدا پرسید: ای اهورامزدا مینوی پاک، ای آفریننده این گیتی، ای اشاون، در میان ایزدان مینوی کیست که بهتر مسلح است؟ آنگاه اهورامزدا گفت: وی بهرام اهورا آفریده است». در جزء سوم کرده اول همان یشت بهرام بسیار زورمند در خطاب بزرگوار خود را چنین می ستاید: «... در نیرو من نیرومندترینم، در پیروزی پیروزمندترینم، در فرقه فرهمندترینم، در نیکی نیکترینم، در سودبخشی سودمندترینم، در درمان درمان بخش ترینم...». جزء ۶۲ از کرده ۲۱ در جنگ آزمائی و دشمن شکنی او چنین میگوید: «ما بهرام اهورا داده را می ستائیم، آنکه صفوف رزم را درهم می شکند، آنکه صفوف رزم را می شکافد، آنکه صفوف رزم را به سختی دچار می کند، آنکه صفوف رزم را پریشان می سازد...».

از این مختصر پیداست که بهرام نه تنها نامش صفت خاص ایندراست بلکه صفات دیگر ایندرا نیز در وی ظاهر است و مانند ایندرا خدای جنگ و پیروزی است و اگر ایندرا نامش از جمع ایزدان حذف شده هیشش در جامه بهرام محفوظ مانده. از اصراری که سراسر بهرام یشت در آوردن صفت «اهورا داده» برای بهرام دارد نیز برمی آید که بهرام از خدایان معتبری بوده که مورد پرستش مستقل قرار داشته. بعداً که اهورا بر سایر خدایان تفوق یافت چون ترك عادت دشوار بود پرستش بهرام بتدریج در جامه آئین زرتشتی احیاء شد. بهرام پرستان برای آنکه هم از نسبت نقص ارادت باهورا مصون باشند و هم وجدان زرتشتی خود را راضی ساخته باشند بصف «اهورا داده» توسل جستند. عبارت «بهرام اهورا آفریده» در حقیقت مصالحه ای است میان کیش تازه و عادت دیرین، و صفت «اهورا آفریده» عذرخواه احیاء پرستش بهرام است که کیش زرتشتی اصولاً نمی پسندید. (۱)

۱ - راجع بتوضیحات بیشتر در باره بهرام، و مناسبت او با ایندرا رجوع شود به Die Yästs B. Geiger des Awesta تألیف H. Lommel و به Die Amasa Spentas تألیف Nyberg و ۱۱۴ - ۱۲۲ صفحات دوم صفحات ۶۴ بعد و یشتهای پور داود جلد دوم صفحات ۱۲۲ - ۱۱۴ و کتاب مذکور، صفحات ۷۵ - ۷۴.

طبعاً این سؤال پیش می‌آید که داستان کشتن دیو خشکی کجاست؟ چه باشباهت نامی که میان بهرام و ایندرا هست در سراسر بهرام یشت سخنی از این ماجرا نیست و نام بهرام نیز با آنکه از صفت خاص ایندرا گرفته شده بمعنی اژدها کش نیست بلکه بمعنی پیروز است. در اینجا باید بیخنی که در باب نام بهرام وجود دارد اشاره شود. ورتراهن که صفت ایندراست مرکب از دو جزء است. جزء دوم «هن» بمعنی کشنده است از ریشه هند و ایرانی Ohan (اوستائی: Gan، فارسی باستان: Jan، فارسی: زدن - زن) (۱). جزء اول در سانسکریت دو معنی دارد. بصورت خنثی بمعنی دشمن و بصورت مذکر نام دیو خشکی است و ورتراهن کشنده دیو خشکی است. در اوستائی ورتراهن بمعنی پیروزی و ورترا بمعنی فتح و غلبه است که با معنی سانسکریت متفاوت است. چنانکه **لوهل** (۲) متذکر شده ورترا در اوستائی اصیل نیست بلکه از ترکیب ورتراهن گرفته شده. بنابراین ملاحظات و برخی نکات دیگر **بن و نیست و رفو** در کتابی که در این باره منتشر ساختند (۳) چنین اظهار کردند که ورترا اصولاً بمعنی دفاع است و «ورتراکن» در اوستائی و «ورتراهن» در سانسکریت بمعنی شکننده دفاع و در نتیجه پیروز گر است و اینکه در سانسکریت معنی «اژدها کش» یافته نتیجه خلط است، یعنی چون ایندرا که مانند بهرام این صفت را داشت ضمناً کشنده اژدهای خشکی بود بتدریج گمان شد که ورتراهن بمعنی اژدها کش و ورترا بمعنی اژدهاست. از نکاتی که موجب ضعف این نظر است اینست که در ارمنستان بهرام داستان کشتن اژدها را محفوظ داشته. صورت ارمنی بهرام **وهگن** Yahagn است که قهرمانی دلاور و جنگجو است و بعدها که فرهنگ یونان باارمنستان کشید بجای **هر کول** پرستش شد و یکی از دلاوریهای او کشتن اژدهاست. از اینجا چنین بنظر میرسد که کشتن

۱ - به بار تولومه ستون ۴۹۰ در ذیل gan و به Old Persian ... Kent (۱۹۵۰) ذیل jan مراجعه شود.

۲ - کتاب سابق الذکر صفحات ۲ - ۱۳۱.

۳ - Vrtra et Vrhthragna par E. Benveniste et L. Renou. درباره انتقاد نظر بن و نیست رجوع شود به Zoroastre تألیف دوشن گیمین (۱۹۴۸) صفحات ۴۶ - ۴۳.

ازدها با تصور بهرام در خاطر ایرانیان زنده بوده و از آنجا با رمنستان سرایت کرده است. (۱)

اما کشتن دیو خشکی و حصول باران که یکی از حوادث مهم زندگی مردم زراعت پیشه ایران وابسته بوده هر چند در احوال بهرام دیده نمیشود اصولاً از میان نرفته بلکه بصورت داستان

## تیشتر و دیو خشکی

بسیار جذابی در اوستا باقی مانده، منتهی این دلاوری از بهرام بخدایان و صور افسانه‌ای دیگر انتقال یافته. انتقال خوارق عادات از خدائی بخدائی دیگر در اساطیر ملل بکثرت دیده میشود. کشتن دیو خشکی در اوستا بچند صورت محفوظ مانده است، از انجمله رانده شدن دیو خشکی است بدست ستاره تیشتر.

تیشتر که ستاره شرعی یمانی (Sirius) است (۲) در اوستائی ایزد باران است و یشت هشتم در ستایش اوست. تیشتر در تیر ماه نزدیک صبح طالع میشود و در فصل باران خزان بروشنی تمام در آسمان می درخشد. مناسبتش با باران از اینروست. (۳) دیو خشکی **اپوش** نام دارد و مختصر داستان این نبرد که در تیشتر یشت آمده اینست که ستاره تیشتر ده شب اول (پس از طلوع) بصورت جوان پانزده ساله‌ای با دیدگان درخشان و بالای بلند ظاهر میشود و در فروغ پرواز می کند. ده شب دوم بشکل گاو نری زرین شاخ آشکار میشود و ده شب سوم در هیئت اسب سفید زیبایی با گوشهای زرین و لگام زرین جلوه میکند و بجانب دریای **فراخکرت** برای طلب آب روان میشود (فراخکرت دریای افسانه‌ایست که سرچشمه همه آبهاست و ظاهراً بنابر تصور اولیه در آسمان جای داشته). (۴) دیو اپوش بصورت اسبی سیاه و دم کل و ترسناک بمقابله تیشتر برمیخیزد.

۱ - Menasce آثار دیگری از این داستان را در ادبیات یهلوی ارائه داده است. مراجعه شود به مقاله او: *La promotion de Bahram* در جلد صدوسی و سوم *Rev. de l'Hist. des Rel.*  
۲ - رجوع شود به W.B. Henning در *An Astronomical Chapter of Bundahishn* در *Jour. R. Asi. Soc.* سال ۱۹۴۲.

۳ - راجع بهویت این ستاره و مناسبت آن با باران رجوع شود به لومل، ۵۰ - ۴۶ و یورداد، یشتها جلد دوم ۳۳۱ - ۳۲۴ و بخصوص تقی زاده، « گاه شماری در ایران قدیم » صفحه ۱۰۱ و بعد و حاشیه ۲۰۷ و ۲۷۲ ذیل.

۴ - کریستن سن، کتاب مذکور، صفحه ۱۴. هم چنین رجوع شود به یارتولومه ستون ۱۴۲۹ ذیل *Vouru-kasha* و به *Les composés de l'Avesta* تألیف دوشن گیمین (۱۹۳۶) یارگراف ۲۰۱ صفحه ۱۰۹.

تیشتر از ترس عقب می نشیند و هزار گام از فراخکرت دور می افتد. سپس خروش برمیآورد و بدرگاه هر مزد می نالد و یاری میخواهد. هر مزد ویرا توانائی می بخشد. آنگاه تیشتر به آپوش حمله می برد و او را می شکند و هزار گام از فراخکرت دور میراند. چون آپوش شکست می یابد دریا بتلاطم درمیآید و موجها برمیخیزد و از جانب کوه هند مه بلند میشود و ابر بجنبش درمیآید و باران و تگرگ بردشتهای می بارد.

پیداست که این داستان صورت اساطیری حادثه باران پس از خشکی است که در احوال ایندرا با کمی تفاوت منعکس است. وجوه شباهت دو داستان را در بعضی نکات دیگر نیز میتوان یافت: نام دیو آپوش را اگر بنا بر قواعد فونتیک بصورت سانسکریت درآوریم Ap-vrta خواهد شد که جزء اول آن بمعنی آب و جزء دوم بمعنی « بازداشته » و « محصور » است از ریشه var بمعنی پوشیدن، و کلمه مرکب بمعنی « بازدارنده آب » است (۱) که نظیر معنی ورترا است که قبلاً گذشت. در ادبیات پهلوی که داستان نبرد تیشتر و آپوش شاخ و برگ بیشتری دارد بعضی جزئیات آن یادآور داستان ایندرا و ورترا است. مثلاً بندهشن میگوید که آپوش را تیشتر بزخم گریزی از پای درمیآورد که آتش وازشت vāzishi است (= برق) و نیز میگوید که تندر ناله آپوش است که بر اثر این ضربت برمیکشد.

صورت دیگری از داستانهای ایندرا که یادآور شکستن تاریکی و باز یافتن آفتاب یا بچنگ آوردن روشنایی است در افسانه جنگ آذر و اژی دهاک (= اژدها، ضحاک) دیده میشود

## آذر و اژدها

که در یشت نوزدهم یعنی زامیادیشته که در ستایش ایزد آب است آمده، مختصر داستان آنکه اهریمن و سپنتامینو (اندیشه پاک) برای بدست آوردن فره (نور ایزدی) بکوشش برمیخیزند و هر یک چالاک ترین یاران خود را باین مقصود روانه می سازند و سریعترین تیر خود را می کنند. سپنتامینو بهمن و اردیبهشت و آذر رامیفرستد و اهریمن اکمن (منش زشت) و خشم و اژی دهاک و سپتیور را (که جمشید را با اره بدو نیم کرده بود) روانه میکند. مقابله میان آذر و اژی دهاک درمیگیرد و

۱ - کتاب سابق الذکر، پاراگراف ۳۰ صفحه ۲۱ و پاراگراف ۲۱۵ صفحه ۱۷۴.

هر يك با خود می اندیشد که فره را فراچنگ آرد. چون آذر چنین می اندیشد « اژی دهاک سه یوز زشت سرشت » پیش میدود و تهدید میکند که اگر آذر فره را بدست آرد ویرا یکسره نابود خواهد کرد و از فروغ باز خواهد داشت. آذر را هر اس میگیرد و از هیبت اژدها دست باز میکشد. چون اژی دهاک قصد تسخیر فره میکند آذر بتهدید برمیخیزد که اگر چنین کند آذر بر پوزه اش شعله بر خواهد انگیخت و ویرا از بن خواهد سوخت. اژی دهاک از هیبت آذر دست پس میکشد. در این میان فره بدریای فراخکرت می جهد و **ایام نیات** ( ایزدآب ) ویرا در می یابد ( فقرات ۴۶ تا ۵۳ زامیادیشث<sup>(۱)</sup> ). این داستان چنانکه در اوستا آمده پیداست که تغییرات بسیار در آن راه یافته، با اینهمه رابطه آنرا با داستان تحصیل نور و کشمکش میان برق و دیو خشکی باسانی میتوان دریافت. این رابطه روشن تر میشود وقتی توجه کنیم که ایام نیات Apâm napât که ازخدایان قدیم هندوایرانی است در سرودهای ودا معرف برق و گاه با اگنی رب النوع آتش برابر است. وی خدائی است که بی هیمه روشن است و در میان آبها جای دارد ( اشاره بظهور برق از میان ابرها ). خدائی است زرین فام و درخشان که برق جامه اوست و از اندیشه سریعتراست. نام این خدا بمعنی « فرزندآب » است و اینکه « زاده آب » در سرودهای ودا صفت آتش است نیز مؤید رابطه بسیار نزدیک ایام نیات و آتش است ( اگنی، آذر )<sup>(۲)</sup>. از طرفی برابر بودن نام اژی دهاک با **اهی** (= مار، اژدها ) در داستان ایندرا را باید متذکر بود. اژی، جزء اول اژی دهاک صورت ایرانی « اهی » سانسکریت است که ورتر غالباً بآن خوانده شده. جزء دوم محتمل است با داس dāsa یا دسیو dasyu سانسکریت که عنوان بومیان دیو شکل هند است مربوط باشد. کشتن اژی دهاک ( اژدها ) در آثار ایرانی صورت معروفتری نیز دارد که شکست ضحاک ( اژی دهاک ) بدست فریدون است که بتدریج بصورت افسانه تاریخی در آمده و حال آنکه اصولاً از اساطیر است و موضوع آن کشمکش قوای طبیعت است نه حادثه تاریخی.

فریدون  
وضحاک

۱- راجع بفره رجوع شود به لومل ۱۷۱۰ - ۱۶۹ و Zoroastrian Problems تألیف H. W. Baily مقاله اول و دوم و مآخذی که در صفحات ۷۷ - ۷۵ ذکر شده.  
۲- راجع به ایام نیات، مکدائل صفحات ۷۱ - ۶۹ دیده شود.

بموجب اوستا ضحاک دیوی است سه پوزه و سه سر و شش چشم و هزار دست که از جانب اهریمن برای ویران ساختن این کیتی بوجود آمده (پیدا است که دخالت اهریمن در این داستان جدید است) و برای نیل بمقصود برای خدایانی چون اردویسور و وایو (باد) کله‌های گاو و اسب قربانی میکند، اما بکام نمیرسد. **ثریتون** Thraitauna (فریدون) فرزند **اثویا Athwya** (آتین) بمقابله او برمیخیزد و برای خدایان قربانی می‌گزارد و از آنان یاری میجوید و سرانجام ازدها را مغلوب میسازد و فره را بدست می‌آورد (۱). جزء ۳۶ و ۳۷ زامیادیشث در این باب چنین است: «دومین بار فره جدا شد (از جشید) ... این فر را فریدون آتین دریافت که در میان پیروزگران پیروزگرتین بود ... (وی) ازدهای سه پوزه سه سر شش چشم هزار دست را بشکست ... در سرودهای ریگ ودا این پیروزی به **تریتا آتیا** (صورت سانسکریت اثویا) منسوب است. تریتا که یکی بودن آن با فریدون روشن است از خدایان هندی است و اعمال و دلوریهای او شباهت تام باعمال ایندرا دارد چنانکه گاه تشخیص آنها از یکدیگر دشوار است. وی نیز مانند ایندرا کشنده ورترا ورها سازنده گاو و شکافنده کوه است و مانند ایندرا ازدهای سه پوزوشش چشم را بزخم پیکان از پای در می‌آورد و مانند ایندرا با اگنی خداوند آتش و سوم خداوند نوشابه معروف وابسته است و همچنین کاشف و فشارنده گیاه سوم خوانده شده. در بعضی از سرودها عین یک پیروزی بایندرا و تریتا منسوب است (مثلاً در سرود هشتم از دفتر دهم کشتن ازدهای سه سر و شش چشم در یک بند به تریتا و در بند دیگر به ایندرا نسبت داده شده). اینک تریتا اصولاً چه خدائی است مورد بحث بسیار بوده است. **هک دائل** Macdonell معتقد است که تریتا اصولاً خدای برق است و در حالی که اگنی معرف آتش زمینی و **سوریا** (= هور) معرف آتش آسمان است تریتا معرف آتش فضا است و آنچه حاکی از برق و طوفان است در اصل با او منسوب بوده. بعدها که ایندرا براهمیت خود افزود تریتا را از میدان بدر کرد و اعمال او را بخود منسوب داشت. خلط میان

۱ - رجوع شود به یسنای ۹ جز ۸ و یشت ۵ اجزا ۳۵ - ۲۹ و یشت ۹ اجزا ۱۵ - ۱۳ و یشت

۱۴ جز ۴۰ و یشت ۱۵ اجزا ۲۵ - ۱۹ و بخصوص یشت ۱۹ اجزا ۵۲ - ۲۶ .

این دو از اینجاست (۱). ضمناً باید متذکر بود که صفت اپتیا aptya که در اوستائی Athwya است و پدر فریدون بشمار می‌رود مشتق از ap = آب و بمعنی « آب زاد » است و چنانکه قبلاً گذشت صفت « آب زاد » در ودا و اوستا برای آتش آمده ( نظیر ایام نیات که بهمین معنی است ) و از اینجا نیز بستگی فریدون به برق و حادثه طبیعی طوفان آشکار میشود . فقط در دوره های تازه تر است که فریدون و ضحاک مانند جمشید و بعضی خدایان دیگر در قالب افسانه های تاریخی جا گرفته اند (۲).

اینکه چگونه خود ایندرا ، خسدای توانای هندو ایرانی ، در حالیکه در هند بر اعتبار خویش افزود و پروردگار ملی شد در ایران در زمره دیوان جای گرفت موضوع مقاله دیگری است .

لندن - آذر ۱۳۳۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز چاپ و انتشارات

- ۱ - مکدانل صفحه ۶۹-۶۷ . هم چنین رجوع شود به Oldenberg ، کتاب مذکور صفحه ۱۴۱ و بعد .
- ۲ - راجع به صورت تاریخی گرفتن داستانهای اساطیری رجوع شود به The Outline of Mythology تألیف L. Spence ( ۱۹۴۴ ) فصل سوم .

### توضیح

rh در بعض کلمات که بخط فرنگی نقل شده آقای دکتر یارشاطر بجای رأی نزدیک به ژ که در الفاظ سانسکریت موجود است r را بعلامت مخصوصی که بالای آن گذاشته بودند ممتاز کرده بودند و چون در چاپ از عهده ساختن چنین شکلی بر نیامدیم بجای آن rh بکار بردیم ، امیدواریم ما را از این تصرف معفو دارند . ( مجله یغما )